

غیاث الأولیاء فی النوسل نحدیث الکساء

منبع: آموزشکده سوم - حسینیه حضرت امام حسین علیه السلام - حوزه جناب مسلم ابن عوسجه (از اصحاب امام سوم علیه السلام).

عنوان واقعه: شفا یافتن (بیماری که در کوما رفته بود) به برکت مجلس حدیث کساء و توسل به حضرات معصومین علیهم السلام.

شرح واقعه: آقای رضا علوی از مربیان ورزشی مدارس آموزش پرورش؛ در مدرسه محل خدمت خود؛ برای دانش آموزان؛ مجلس حدیث کساء را ابتداء بطور مختصر برگزار می نماید، با تأثیرات مثبت معنوی مجلس بر دانش آموزان؛ و استقبال عمومی آنها؛ این برنامه به عنوان یکی از فعالیتهای تربیتی و فرهنگی؛ مورد نظر اولیای مدرسه قرار می گیرد، فلذا ایشان نیز این مجلس را در سطح عمومی ادامه داده؛ و بحمدالله تاکنون بطور مرتب و با حضور وسیع دانش آموزان (هر هفته حدود صد نفر؛ و در ایام مناسبتهای دینی تا چهارصد نفر) ادامه پیدا کرده است، در آخر مجلس هم اطعام مختصری می شود، این مجلس برکات فراوانی داشته است، از جمله آنها این واقعه شفاء است؛ که ایشان آنرا این گونه نقل می کند:

روزی در مدرسه یکی از دانش آموزان که متصدی کار اطعام و پذیرایی (تهیه نان و تقسیم غذا) در مجلس حدیث کساء بود را دیدم؛ و به او گفتم که: برای دو روز دیگر تهیه نان فراموش نشود، گفت: باشد، بعد

در ادامه گفت که: سؤالی دارم؟ گفتم: بگو! گفت: شما تا به حال (از مجلس حدیث کساء) حاجتی هم گرفته اید؟ به او گفتم: خود این که (حضرات علیهم السلام) اجازه برگزاری این مراسم را با توفیق آن می دهند؛ این خودش برآورده شدن حاجت است.

صحبت در این باره همین جا تمام شد؛ و بحث به مطالبی دیگر از معارف الهی کشیده شد، این گذشت؛ تا این که روز برگزاری مجلس حدیث کساء رسید، دیدم همان دانش آموزان ها را آورد؛ و رفت داخل مکانی که باید غذا را آماده پذیرایی می کرد؛ در حین رفتن گفت: یکی از اقوام ما چهار روز است رفته توی کوما، اگر می شود امروز انتهای مجلس دعا کنید که خداوند شفایش بدهد.

مجلس شروع شد؛ و توسل به حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام بواسطه حدیث شریف کساء برگزار شد، سپس مطالبی پیرامون شرافت و کرامت ذوات مقدسه پنج تن اصحاب کساء علیهم السلام؛ و برکات وجودی این انوار الهی (حتی قبل از این که به صورت ظاهری به این دنیا بیایند) بیان شد، و درباره اینکه: چگونه پیامبران گذشته مثل حضرات آدم و نوح و ابراهیم و بقیه ی پیامبران (علی نبینا وآله وعلیهم السلام) در زمان خودشان به پنج تن مقدس متوسل شده اند. و چون آنروز (از نظر تقویم الهی) مصادف بود با قرار گرفتن کشتی حضرت نوح علیه السلام بر کوه جودی؛ این صحبت نیز شد که: مانند چنین روزی حضرت نوح علیه السلام وقتی از غرق شدن ترسید؛ خداوند را به حق پنج تن علیهم السلام قسم داد، و همچنین قبل از

حرکت نام این پنج بزرگوار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را بر چوبی حک کرد؛ و در جلوی کشتی نصب نمود. همچنین اشاره شد که قطعات یافت شده از کشتی حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز گواه بر این حقایق می باشد، و با توجه به فرصت زمانی که داشتیم؛ پیرامون این نوع مطالب از معارف الهی صحبت‌هایی کردیم.

بیان مطالب که پایان یافت؛ آمدم صحبت را تمام کنم؛ یادم از التماس دعای آن دانش آموز آمد، به دانش آموزان در ادامه گفتم که: یکی از دوستان شما به خاطر یکی از بستگانش که در وضعیت کوما هست؛ التماس دعا دارد؛ و خواسته برای بیمارشان دعایش کنید.

در آن وقت هم به عنوان دعا عرض شد: خداوندا تو را قسم می دهیم؛ به آن پنج تنی که انبیاء و اوصیاء الهی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به آنها متوسل شده و حاجت گرفته اند؛ و به توسل حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ در این روز (که تو را به آن ذوات مقدس قسم داد) که مریض منظور نظر را شفا عنایت بفرمایی، در ادامه دعا‌های دیگری هم شد.

پس از آن با پذیرایی متوسلین حاضر؛ مجلس تمام شد. بعد جلسه نیز او را دیدم؛ گفتم: مریضتان را دعا کردیم، آن دانش آموز تشکر کرد.

ماجرای گذشت؛ تا اینکه دو یا سه روز بعد؛ او را دیدم؛ گفتم: راستی از بیمارستان چه خبر؟ گفت: آقا باور نمی کنید! گفتم: مگر چه شده؟ گفت: همان روز که دعایش کردید؛ بعد از ظهر که رفتم خانه؛ گفتند: از کوما بیرون آمده است؛ و حالش خوب خوب شده؛ و در حال حاضر از

بیمارستان هم مرخص شده است و همه (از این شفای سریع و بیرون آمدن از کوما) تعجب کرده اند.

خلاصه اینکه: مجلس توسل حدیث شریف کساء؛ و قسم های بزرگ؛ و خدمتگزاری آن خادم نوجوان جلسه؛ و دلهای صاف نوجوانانی که شاید اصلا به حساب نمی آیند (و اکثراً و غالباً آن جوانان را با نگاه دیگری می بینند)، و عنایت پنج وجود مقدس عليه السلام، و اجابت حضرت ربّ الارباب؛ آن نتیجه مهم را داد.